

Signs of the Formation of Jihadi Management in the Sacred Defense; Case Study of Samen-ol-Aimmeh Operation

Rasoul Hamzehpour Asadi^۱, Abdullah Mobini Dehkordi^۲

Abstract

The unpreparedness of the state and military forces and the intentional and unintentional treacherous of some officials and operatives at the beginning of the imposed war caused the loss of some border cities and important and strategic areas in the three axes of northwest, west and south of the country. This caused a lot of material and moral damage to the body of the army and the people, and by creating an atmosphere of "we can't manage the war", it led the country to negotiation and compromise. However, the removal of Bani Sadr and the reliance on the forces of the army, the IRGC and the Basij changed the management of the war, and with Operation Samen-ol-Aimmeh (AS), the major cities and occupied areas returned to the Islamic Republic in less than ۱۰ months. The present study intends to identify the most important features and characteristics of this operation that led to the continuation of subsequent successes.

This research is applied in terms of purpose and its method is descriptive-analytical. Efforts have been made to collect and analyze the required information, using the library method and referring to existing documents and interviews with experts. Findings show that after the formation of jihadi management during the sacred defense and the operation of Samen-ol-Aimmeh (AS) in September ۱۳۸۱, approaches, strategies, tactics and techniques changed and continued the war with these patterns. And bring success and the word "we can" to the nation and country.

Keywords: Sacred Defense, Jihadi Management, Operation of Samen-ol-Aimmeh (AS).

^۱ - Instructor, Master of Mechanical Engineering, Technical and Engineering Faculty, Najaf Abad Azad University, Najaf Abad, Iran; rasoul.msc.iaun@gmail.com

^۲ - Assistant Professor of Strategic Management, Faculty of International Studies, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran.

نشانه‌های شکل‌گیری مدیریت جهادی در دفاع مقدس: مطالعه

موردی عملیات ثامن‌الائمه

رسول حمزه پور اسدی^۱، عبدالله مبینی دهکردی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۷

چکیده

عدم آمادگی نیروهای کشوری و لشکری و خیانت‌های عمدی و غیر عمدی برخی از مسئولان و دست‌اندرکاران کشور در ابتدای جنگ تحمیلی، باعث از دست رفتن برخی از شهرهای مرزی و مناطق مهم و راهبردی در سه محور شمال غرب، غرب و جنوب کشور گردید. این امر خسارات مادی و معنوی بسیاری را بر بدنه ارتش و مردم وارد کرد و با ایجاد جو «ما نمی‌توانیم جنگ را اداره کنیم»، کشور را به سمت مذاکره و مصالحه کشاند؛ اما برکناری بنی‌صدر و اتکا به نیروهای ارتش، سپاه و بسیج باعث تغییر در مدیریت جنگ شد و با انجام عملیات ثامن‌الائمه (ع) عمده شهرها و مناطق اشغالی در کمتر از ۹ ماه به آغوش ج.ا.ا بازگشت. تحقیق حاضر در نظر دارد مهم‌ترین ویژگی و مشخصات این عملیات را که باعث استمرار موفقیت‌های بعدی گردید، شناسایی نماید. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است و روش آن توصیفی - تحلیلی هست. تلاش شده است تا اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و مدارک موجود و مصاحبه با افراد خبره، گردآوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پس از شکل‌گیری مدیریت جهادی در دوران دفاع مقدس و انجام عملیات ثامن‌الائمه (ع) در مهرماه سال ۱۳۶۰، رویکردها، راهبردها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها تغییر یافت و باعث شد ادامه جنگ با این الگوها پیش رود و موفقیت و واژه‌ی «ما می‌توانیم» را برای ملت و کشور به ارمغان آورد.

کلیدواژه‌ها: دفاع مقدس، مدیریت جهادی، عملیات ثامن‌الائمه (ع).

۱- مربی، کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد واحد نجف آباد، نجف آباد،

ایران؛ rasoul.msc.iaun@gmail.com

۲- استادیار مدیریت راهبردی، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۱- مقدمه:

پس از حمله سراسری رژیم بعث عراق به ایران و سقوط برخی از شهرهای مرزی همچون خرمشهر، بستان، سوسنگرد و ...، پس از ۴۵ روز از آغاز جنگ و تثبیت این رژیم در پنج استان کشور که استان خوزستان در رأس اهداف عراق قرار داشت، ایران با انجام عملیات‌های زمینی، هوایی و دریایی درصدد بیرون راندن این متجاوز از کشور بود.

حضور گسترده و همه‌جانبه مردم در صحنه‌های جنگ و پشتیبانی بی‌دریغ آن‌ها از نیروهای مسلح، باعث جلوگیری از پیشروی نیروهای دشمن به‌طور گسترده شد. در این راستا در مناطق جنوب و غرب، عملیات‌های متعدد و متنوع زمینی، هوایی و دریایی انجام شد (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۱: ۹۹).

نواقص و کاستی‌های دفاعی ایران، هنگامی که بنی‌صدر عهده‌دار فرماندهی کل قوا بود، نقش زیادی در سهولت پیش روی نیروهای ارتش عراق در عمق سرزمین ایران و محاصره و اشغال شهرها داشت. آرایش دفاعی نیروهای ایران به شیوه سنتی (یعنی طبق آیین‌نامه‌ها و بدون در نظر گرفتن وضعیت جدید) و بدون بررسی دقیق و در نظر گرفتن احتمالات گوناگون انجام گرفت؛ بنابراین گسترش عملیاتی و تاکتیک نظامی ایران دچار نقص بود و درک روشنی از تلاش اصلی عراق وجود نداشت (رضایی، ۱۳۷۴/۴/۱۵).

عملیات‌هایی که به فرماندهی بنی‌صدر انجام گرفت و موفقیتی در پی نداشت؛ بلکه نتایج نامطلوبی در برداشت عبارت‌اند از (درویان، ۱۳۹۲: ۳۵):

- ۱) عملیات پل نادری: ۲۳ مهر ۱۳۵۹، در غرب رودخانه کرخه
- ۲) عملیات جاده ماهشهر: ۳ آبان ۱۳۵۹، در شرق رودخانه کارون
- ۳) عملیات نصر: ۱۵ دی ۱۳۵۹، در جنوب غربی اهواز و سوسنگرد
- ۴) عملیات توکل: ۲۰ دی ۱۳۵۹، در شرق رودخانه کارون

شکست نیروهای ارتش در ماه‌های اول جنگ، عراقی‌ها را مطمئن کرده بود که بی‌دردسر در خاک ایران می‌مانند. کردزن، محقق آمریکایی می‌نویسد «اولین تأثیر این عملیات‌ها این بود که عراقی‌ها باور کردند با کمی استقامت دفاعی می‌توانند دستاوردهای خود را حفظ کنند» (درویان، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

چهار عملیات انجام شده در ماه‌های اول جنگ توفیق چندانی در مناطق اشغالی نداشت. این ناکامی‌ها موجب کاهش روحیه نیروهای خودی و اتخاذ راهبرد تهاجمی از سوی دشمن شد. در طرح‌ریزی مانور چهار عملیات انجام شده، حتی اصول کلاسیک جنگ و روش‌های علمی عملیاتی رعایت نشد و بررسی‌های دقیقی از وضعیت ارتش عراق و توانمندی‌های خودی به‌طور کامل و در حد لازم صورت نگرفت و عملیات‌های مذکور با عدم موفقیت همراه شدند. البته در همین مقطع رزمندگان پرتوان اسلام به‌منظور تثبیت و جلوگیری از پیشروی نیروهای دشمن از شمال غرب تا جنوب و در مقاطع زمانی مختلف، عملیات‌های متعددی انجام دادند که منجر به تلفات قابل توجهی بر نیروهای دشمن و آزادسازی بخش‌هایی از میهن اسلامی گردید. از جمله مهم‌ترین این عملیات‌ها می‌توان به سید صادق در ۵۹/۹/۲۸، تنگه حاجیان ۵۹/۱۰/۱۴، میمک ۵۹/۱۰/۱۹ و بازی دراز در ۶۰/۲/۲ اشاره نمود (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۲).

بلافاصله پس از برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل نیروهای مسلح در ۱۳۶۰/۳/۲۱، امیر سرلشکر شهید ولی‌الله فلاحتی‌جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش از سوی امام خمینی (ره) اجازه یافت تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، با استفاده از اختیارات مقام رهبری، مأموریت‌ها و وظایف محوله در ستاد مشترک ارتش را انجام دهد (صحیفه امام، ۱۳۷۴: ۴۲۱).

با فرار بنی‌صدر از کشور و همکاری برخی از افراد نیروی هوایی، تغییراتی در سطوح عالی ارتش در دستور کار قرار گرفت. بر این اساس کلیه فرماندهان پایگاه‌ها و تعدادی از مسئولان ستاد نیروی هوایی در ۱۳۶۰/۵/۱۶ تعویض گردیدند (نمکی، ۱۳۸۷: ۱۷۲). همچنین سرهنگ (امیر سپهبد شهید) علی صیاد شیرازی که توسط بنی‌صدر کنار گذاشته شده بود، در ۱۳۶۰/۵/۱۲ به سمت فرماندهی قرارگاه غرب نیروی زمینی ارتش برگزیده شد. در حقیقت نیروی زمینی ارتش با انجام چهار عملیات ناکام در چهار ماهه اول جنگ به این نتیجه رسید که با کمک سپاه و حضور نیروهای داوطلب مردمی و بسیجی می‌تواند عملیات‌های موفق‌تری را اجرا کند. پس از برطرف شدن مهم‌ترین مانع همکاری بین ارتش و سپاه، همدلی بیشتری برای استفاده از ظرفیت‌های یکدیگر برای مقابله با ارتش عراق پیدا شد و زمینه برای همکاری و هماهنگی بیشتر ارتش و سپاه فراهم گردید. جلسات مشترکی بین سپاه و ارتش برای شکست حصر آبادان برگزار شد که در نهایت منجر به طرح‌ریزی و اجرای عملیات مشترک و موفق از جمله عملیات ثامن‌الائمه (ع) گردید (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

۲- بیان مسئله و پرسش اصلی تحقیق:

در یک سال اول جنگ، مردم و نیروهای رزمنده و امکانات و تجهیزات، همان مردم و رزمندگان و همان تجهیزات و امکانات بود. کشور در آن سال به سرمایه و نیروهای شگفتی دست نیافته بود؛ از خارج از کشور هم واردات انسانی و غیر انسانی مهمی نداشتیم و حتی برعکس، برخی نخبگان و سرمایه‌داران از کشور خارج شدند؛ حال مسئله این است که چه عاملی باعث شد بعد از سال اول جنگ، دفاع مقدس طوری دیگر رقم بخورد. برای پاسخ به این سؤال، نیاز به پژوهش رخدادهایی است که پیش از آغاز عملیات ثامن‌الائمه (ع) به وقوع پیوست. از این رو بایسته است تا این موضوع، با گستردگی مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد تا ضمن توجه به موفقیت‌های حاصل از این عملیات، ریشه‌ها و علل آن نمایان شود. از سوی دیگر، لزوم بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و معنوی دفاع مقدس، می‌تواند در ایجاد قدرت و کسب عزت و استقلال کشور در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام استکبار نقش بسزایی ایفا نماید.

۲-۱- سؤال اصلی:

مهم‌ترین عامل اصلی موفقیت عملیات ثامن‌الائمه (ع) که باعث تقویت نیروهای داخلی و شکست عراق در میدان جنگ شد، چه بود و دارای چه مختصات و مشخصاتی است؟

۳- تغییر نسل مدیریتی:

به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران و کارشناسان، تغییر رویکرد مدیریت جنگ باعث پیشروی نیروها و بازپس‌گیری مناطق اشغالی شد. از اواخر بهار ۱۳۶۰ با انجام عملیات «فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا» تغییر رویکرد مدیریت در جبهه‌ها ملموس شد و فرماندهی جنگ در سال دوم نسبت به سال اول با یک تغییر ۱۸۰ درجه انجام گرفت که یکی از تغییرات مهم در فرماندهی جنگ، اعتماد به جوانان از جمله شهیدان باقری، بقایی، خرازی و ... بود. تغییر نسل مدیریتی در جنگ، باعث تغییر در نحوه جنگیدن شد که با استفاده از راه‌های پیش‌بینی‌نشده و در برخی از مواقع با استفاده از اصل غافلگیری دشمن در زمان و مکان؛ حتی نحوه‌ی جنگیدن را تغییر داد. عملیات ثامن‌الائمه (ع) که منجر به شکست حصر آبادان پس از حدود یک سال از آغاز جنگ شد (۳۴۹ روز)، اولین عملیات در طول هشت سال دفاع مقدس بود که با استفاده از ابزار پیش‌بینی‌نشده، باعث شکست دشمن گردید؛ که این ابزار در مدیریت داخلی، باعث تقویت اراده‌ها و در مدیریت خارجی، باعث شکست ارتش عراق گردید.

۴- تغییر رویکردی و راهبردی مدیریت جنگ:

ستاد عملیات جنوب را جوانانی چون شهید حسن باقری و داوود کریمی در پایگاه گلف اهواز پایه‌گذاری کردند و بعدها رحیم صفوی فرمانده آن ستاد شد. حسن باقری هم از روز اول جنگ اطلاعات عملیات را در آن ستاد پایه‌گذاری کرد. سردار رحیم صفوی درباره آن ستاد می‌گوید: «با انتخاب افراد لایق، توانمند، مؤمن، شجاع و تحصیل کرده، کارها سامان یافت. غلامعلی رشید جانشین ستاد، حسن باقری مسئول اطلاعات عملیات و محمد حجازی مسئول اعزام نیرو شد» (نجف پور، ۱۳۸۸: ۲۶۰).

ستاد عملیات جنوب سپاه بسیار فعال‌تر از گذشته، امور جنگ را پیگیری کرد. فرماندهان سپاه در خوزستان و در جلسات هفتگی ستاد عملیاتی جنوب شرکت می‌کردند، گزارش می‌دادند و تصمیم‌گیری می‌کردند. سردار غلامعلی رشید از فرماندهان ستاد عملیاتی جنوب می‌گوید: «این‌ها می‌آمدند گزارش جبهه‌هایشان را می‌دادند. در این جلسات از آخرین حوادث مطلع می‌شدیم و مشکلات و وضعیت خودی و دشمن را متوجه می‌شدیم. در محورها هم هر کس که در هر محور مسئول بود، پیشنهادهایی می‌داد و ما بررسی می‌کردیم و اگر قانع می‌شدیم به کمک آن‌ها می‌رفتیم» (درویان، ۱۳۸۲: ۱۳۸).

سردار فتح‌الله جعفری، درباره تغییر راهبرد جنگ می‌نویسد: «در آن مقطع، شرایط انقلابی حاکم بر کشور و تمایلات لیبرال‌ها در عرصه سیاسی و نظامی به نحوی بود که قصد داشتند با تسلط بر ساختار سیاسی و نظامی کشور حاکمیت خود را تثبیت کنند، اما دیدگاه‌های آن‌ها با شرایط حاکم بر ایران مطابقت نداشت و این موضوع سبب ایجاد بن‌بست نظامی در جبهه‌ها و بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور شده بود. شکست استراتژی نظامی عامل بن‌بست نظامی بود و بن‌بست نظامی می‌توانست برای منافع ملی کشور عواقب خطرناکی داشته باشد. بنی‌صدر به امام نامه نوشت که با توجه به هیئت‌های صلحی که به تهران آمده‌اند، اگر ما این صلح را بپذیریم بهترین موقعیت خواهد بود. امام در پاسخ به بنی‌صدر در دیداری با مردم فرمودند یأس و ناامیدی از جنود ابلیس است. این حرکت ارزشمند امام توانست روحیه از دست رفته مردم را بازیابی کند». استقرار طولانی نیروها در خطوط مقابل دشمن، شناسایی‌های مکرر و فعالیت‌های ستاد عملیاتی جنوب، نیروهای سپاه را منسجم کرد و دیدگاه‌های جدیدی را پدید آورد. سپاه ایده‌ها و

پیشنهادهایش را ارائه داد و عملکرد مشاورین بنی صدر را نقد کرد. همچنین با توجه به امکانات و مقدراتش، عملیات‌هایی محدود را طراحی کرد و انجام داد. به اعتقاد حسن باقری برای ورود به مرحله‌ی جدید از جنگ، باید به خود جرئت داد و قبول کرد که این نوع جنگیدن به درد نمی‌خورد و لازم است استراتژی جنگ عوض شود.

فرمانده عملیات جنوب، غلامعلی رشید هم درباره آن دوران گفته است: «امام می‌فرمودند اصل جنگیدن است و این سیاست اصلی و محوری ما بود. برای ما شرایط ماه پنجم جنگ بن‌بست بود. دلیل این ناکامی و شکست در عملیات‌های چهار ماه گذشته بود که در هیچ کدام توفیقی به دست نیاورده بودیم؛ بنابراین سؤال «چه باید کرد؟» پیش روی ما بود و درک می‌کردیم و می‌فهمیدیم که شیوه جنگ باید تغییر کند. این حرف از سوی انسان‌هایی زده می‌شد که روح بزرگی داشتند، مثل برادر حسن باقری. ما نیازمند دکترین و راهبرد جدیدی بودیم و اصول الهام گرفته از امام برای جنگیدن و تجدید نظر در روش‌های جنگ (تاکتیک و استراتژی) روح کلی دکترین و راهبرد ما را تشکیل می‌داد و این آغاز تحول و شکل‌گیری روند جدیدی بود که موج‌های تحول آن تا فتح خرمشهر پیشرفت» (شیرعلی نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۵).

به‌عنوان مثال سپاه برای اجرای عملیات‌های بزرگ و گوناگون، راهبردها و تاکتیک‌های زیر را در دستور کار قرار می‌داد: (شیرعلی نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۷)

۱) ایجاد شبکه اطلاعات عملیات در تمامی جبهه‌ها و هدایت و کنترل این اطلاعات از

گلف برای شناسایی دقیق دشمن، زمین، جو، راهکارها و در محورهای نفوذی، محل تجمع، قرارگاه‌ها و سیستم هدایت و کنترل هوشمند.

۲) عملیات خط‌شکنی، اتخاذ تاکتیکی جدید متکی بر نیروهای پیاده سپاه، به‌خصوص نیروهای بسیج و نیروی انقلابی ارتش با رخنه در مواضع و خطوط مقدم دشمن در شب برخلاف روش قبلی که تکیه بر زرهی بود.

۳) همکاری و هماهنگی با کلیه واحدهای فعال در جنگ اعم از ارتش، نیروهای شهید چمران و جهاد سازندگی.

۴) استفاده از سلاح‌های سبک و نیمه سنگین که مهمات آن‌ها در اختیار باشد یا امکان ساخت آن وجود داشته باشد.

- ۵) تکیه بر ایمان، عشق به شهادت و گسترش فرهنگی انقلاب و امام در صحنه‌های جنگ.
- ۶) هجوم غافلگیرانه بدون آتش تهیه اولیه و تأکید بر اصل غافلگیری به‌عنوان یک اصل محوری در نظریه جنگ انقلابی سپاه.
- ۷) بهره‌گیری از تاریکی شب (تک شبانه) که نقطه ضعف دشمن و تمام ارتش‌های کلاسیک بود.
- ۸) فرماندهی و کنترل دقیق و لحظه‌به‌لحظه و همراه با رزمندگان
- ۹) شناسایی دقیق از دشمن، زمین و جو
- ۱۰) گسترش سازمان رزم با نیروهای انقلابی و داوطلب و تربیت کادر فرماندهی
- ۱۱) جذب نیرو، آموزش و سامان‌دهی در محورهای عملیاتی

سپاه و ارتش منسجم‌تر شدند. نیروهای مردمی هم فشارشان را برای آغاز عملیات بیشتر کردند. فرماندهان بارها خواستار عملیات در محور دارخوین بودند و بسیجی‌ها مرتب درباره آن می‌پرسیدند. حسن باقری را فرستادند تا حرف‌های بسیجی‌ها را بشنوند و درباره عملیات برایشان توضیح دهد؛ شهید حسن باقری با شنیدن صحبت آنان، آن‌قدر دقیق درباره عملیات بعدی صحبت کرد که هیچ‌کس حرفی برای گفتن نداشت. او برای بسیجی‌ها توضیح داد که ما تاکنون چند عملیات ناموفق داشته‌ایم و دشمنان یاغی شده است. عملیات بعدی باید آن‌قدر پرقدرت باشد که دشمن نتواند کاری بکند و ما برای عملیات بعدی روحیه بگیریم. ایشان طوری دقیق صحبت کرد که حرفی برای گفتن نماند (بنی‌لوحی و مرادپیری، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

۵- اولین تجربه موفق ناشی از تغییر رویکرد و راهبرد مدیریت جنگ:

کانون مرکزی و نقطه ثقل تحول در جنگ را بدون شک باید حضوری جدی و همه‌جانبه سپاه و بسیج در جنگ دانست، مسلماً این حضور صرفاً به معنای حضور فیزیکی نیروهای سپاه و بسیج در جنگ نیست، زیرا که پیش از این و در مرحله مقاومت و دفاع در برابر متجاوز، نیروهای انقلابی و مردمی در صحنه حضور داشتند و نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده بودند. در مرحله جدید بر پایه درکی روشن از ناکامی‌های بنی‌صدر و ارتش در آزادسازی مناطق اشغالی، ضرورت شکستن بن‌بست نظامی حاکم بر جنگ و حمله به دشمن که با تغییر راهبرد جنگ قابل تحقق بود، با حضور سپاه تأمین و آغاز شد (رشید، ۱۳۷۵).

تأکید به ضرورت تغییر راهبرد جنگ به موازات ایجاد تردید درباره فرماندهی بنی صدر در سطوح بالای کشور و شورای عالی دفاع، بخشی از موانع موجود برای ایفای نقش سپاه در جنگ را برطرف ساخت. سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «راهبرد نظامی به طور کلی در ایران از هم پاشید. در اینجا راهبرد جدید نیروهای حزب الله آغاز شد. نیروهای حزب اللهی آمده اند و جنگ انقلابی را تدوین کردند و براساس آن یک سری عملیات های محدود انجام شد» (درودیان، ۱۳۹۲: ۴۵).

روند جنگ تغییر کرد. فرماندهان سپاه در پی اجرای عملیات در جبهه دارخوین بودند؛ اما به قول شهید حسن باقری عملیات بعدی باید آنقدر پر قدرت باشد که دشمن حرفی برای گفتن نداشته باشد و نیروهای خودی نیز برای عملیات بعدی روحیه بگیرند (بنی لوحی و مرادپیری، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

مدافعان دارخوین سختی های بسیاری برای آماده کردن مقدمات عملیات کشیدند. آموزش های سنگین و فشرده ای اجرا کردند و آمادگی جسمانی نیروها را آنقدر بالا بردند که هر نیرو می توانست ده کیلومتر بدود؛ تیراندازی با سلاح های مختلف و فراگیری تکنیک های نبرد و عملیات پیاده را هم به آن ها آموزش دادند؛ مخابرات، ادوات، دیدبانی و تخریب را هم آموزش دادند. مهم ترین دغدغه مسئولان سپاه، نداشتن مهمات کافی برای اجرای عملیات بود که آیت الله خامنه ای با نفوذی که در ارتش داشتند آرمی جی، خمپاره و دیگر سلاح ها و تجهیزات را تهیه کردند (بنی لوحی و مرادپیری، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

عملیات فرماندهی کل قوا، عملیات موفق کوچکی با نتایجی بزرگ بود که مهم ترین آن دمیدن روحیه امید و پیروزی در مدافعان شد و عراقی ها که از عملیات فرماندهی کل قوا در دارخوین ترسیده بودند، باقی مانده پل خرمشهر را منهدم کردند و کاملاً به لاک دفاعی فرو رفتند (جاودانی و سروری، ۱۳۹۱: ۱۱۸). عملیات سه محور داشت، منصور موحدی از محور جاده اهواز آبادان عمل می کرد، محمود پهلوان نژاد از داخل کانال و رضا رضایی از حاشیه کارون به نیروهای دشمن حمله کردند. در محور دارخوین رحیم صفوی و حسن باقری عملیات را فرماندهی می کردند، غلامعلی رشید هم به آنان پیوست (شیرعلی نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۱).

بعدها در سنگر عراقی ها اسناد تحلیل عملیات پیدا شد که نوشته بودند: (کاظمی، ۱۳۹۱: ۵۸)

اهداف مورد نظر ما تاکنون به دلیل خسارت‌های وارد شده بر واحدهای گردان سوم تیپ ۸ و گروهان دوم گردان تانک و آتش‌بار خالد و همچنین اشغال مواضع جلویی ما در دارخوین از سوی دشمن تحقق نیافته است. اهداف مورد نظر دشمن (ایران) محقق شد. به سبب دستیابی آنان به خطوط اول واحدهای ما در دارخوین و وارد آمدن خسارت‌های سنگین بر آن‌ها و اینکه علی‌رغم خسارت‌های وارده، نیروهای دشمن (ایران) به مواضع قدیمی خود عقب‌نشینی نکرد. عملیات «فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا» عملیات موفق کوچکی بود که سرآغاز نبردهای بزرگ و پیروز رزمندگان گردید (درویان، ۱۳۹۲: ۱۲۰). این عملیات، آغازی بر عملیات پیروزمند ثامن‌الائمه بود که معادلات منطقه را در شمال آبادان به نفع نیروهای ایرانی تغییر داد. اگرچه این عملیات کوچک را نمی‌توان در کنار عملیات ثامن‌الائمه قرارداد، ولی دستاوردها و تجربیات عملیات فرماندهی کل قوا در اولین عملیات مشترک و گسترده سپاه و ارتش تحت عنوان عملیات ثامن‌الائمه مورد استفاده قرار گرفت.

۶- نشانه‌های مدیریت جهادی در عملیات ثامن‌الائمه:

مدیریت جهادی؛ عمل، فراگرد، پیامد یا حالتی است که برای تعالی انسان‌ها پدید می‌آید و این به معنی رشد، متحول کردن، استفاده از فرصت‌ها، برتری‌بخشیدن یا بالابردن امور انسانی است. مدیریت جهادی در حکم الگوی مطلوب مدیریتی برای نظام اسلامی است؛ الگویی که توان لازم تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را دارد و واجد آن توانایی‌ها و ارزش‌هایی است که از هر نظام مدیریتی کارآمد اسلامی انتظار می‌رود (سلطانی، ۱۳۹۳: ۱۲). با توجه به تعریف‌هایی که به صورت خاص از دو واژه «مدیریت» و «جهاد» ارائه می‌شود، می‌توان گفت مدیریت جهادی یعنی: علم و هنر رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی، مبتنی بر مبارزه، نه صرفاً در عرصه نظامی بلکه در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... جهت نیل به اهداف راهبردی و کلان یک نظام و رفع موانعی که در رسیدن به آن وجود دارد (کوشکی، ۱۳۹۳). هرچند مدیریت جهادی اصطلاحی جدید در ادبیات انقلابی ما نیست، اما انصافاً مدیریتی است که تنها در مقطع دفاع مقدس بارها با آن مواجه بوده‌ایم. مدیریت جهادی، سبک رهبری ایرانی است که با رهبری امام خمینی (ره) توانست به خوبی در مقطع دفاع

مقدس، کشور را از پرتگاه جنگ که استکبار جهانی ایران را به سمت آن کشانده بود، نجات دهد و کارایی خود را به خوبی نشان داده و در واقع آزمون و خطای خود را در هشت سال دفاع مقدس پس داده است (پورصادق و ذاکری، ۱۳۹۴: ۹۷). این نوع مدیریت در عملیات ثامن الائمه نشانه‌هایی دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۶-۱- ولایت‌مداری، وحدت و اطاعت از فرماندهی واحد:

پس از موفقیت عملیات «فرمانده کل قوا»، طرح عملیات «ثامن‌الائمه (ع)» اجرا شد تا محاصره آبادان شکسته شود.

حضرت امام (ره) در ۱۴ آبان ماه سال ۱۳۵۹ فرموده بودند: «من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود. باید این حضور شکسته بشود، مسامحه نشود و آن حتماً باید شکسته شود». بر همین اساس مدیریت جنگ با ولایت‌محوری و پذیرش دستور و اوامر فرماندهی وارد عمل شد و عملیات ثامن‌الائمه با هدف شکست محاصره آبادان در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ در شرق رودخانه کارون با رمز «نصر من الله و فتح قریب» آغاز شد و پس ۴۸ ساعت نبرد، کلیه مواضع دشمن درهم کوبیده شد و کلیه اهداف عملیات تأمین شد. در کنار سازمان جدید، توپخانه به تدریج به کار گرفته شد. همچنین سپاه در جذب و به کارگیری نیروهای مردمی، توانست ۱۵ گردان نیرو سازمان‌دهی کرده و وارد عمل نماید. این اقدام به منزله افزایش توان سازمان‌دهی سپاه به میزان ده برابر بود (حسینی و جوادی پور، ۱۳۷۳: ۲۶۱).

سرلشکر پاسدار محسن رضایی درباره شکست حصر آبادان می‌گوید: «حضرت امام مدت‌ها بود که دستور داده بودند حصر آبادان باید شکسته شود، اما مدیریت اولیه جنگ بهای لازم را برای این کار نمی‌داد و حتی بقایای این مدیریت هم با اینکه آقای بنی‌صدر کنار رفته بود، باز به سختی زیر بار حمله به این منطقه می‌رفتند، به طوری که طرح اولیه سپاه در اوایل فروردین سال ۶۰ آماده شد، ولی شش ماه طول کشید تا عملیات اجرا شود». تلخی در اجرای عملیات شکستن محاصره آبادان با توجه به وضعیت سیاسی کشور به گونه‌ای بود که امام مدتی بعد از حادثه هفتم تیر، خطاب به شورای عالی دفاع که در محضر ایشان تشکیل شد فرمودند: «چرا حمله نمی‌کنید، بنی‌صدر هم همیشه امروز و فردا می‌کرد و می‌گفت یک ماه دیگر طراحی داریم... اگر نمی‌خواهید بجنگید

بگویند تا ما تکلیف خودمان را بدانیم» (درودیان، ۱۳۹۳: ۴۸). تغییر مدیریت در جنگ و تبدیل این مدیریت به مدیریت جهادی باعث انجام عملیات ثامن‌الائمه، شکست حصر آبادان و موفقیت‌های بعدی بود.

۲-۶- اشراف بر دشمن و برنامه‌ریزی براساس اطلاعات:

دلایل موفقیت عملیات ثامن‌الائمه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱) نقص و سرپل نظامی گرفته‌شده توسط دشمن که عقبه آن متکی به دو پل حفار و قصبه روی رودخانه کارون بود.
- ۲) عدم تصور دشمن از اجرای یک تهاجم مشترک و همه‌جانبه اجرایی تک از همه محورهای توسط ارتش و سپاه
- ۳) طرح‌ریزی درست عملیات و توجیه همه رزمندگان و نیز فرماندهی خوب و هدایت صحیح نیروهای شرکت‌کننده در عملیات
- ۴) انجام‌شدن عملیات شب، به گونه‌ای که برای اولین بار یک عملیات بزرگ برای مدت شش ساعت در تاریکی شب انجام گرفت.
- ۵) روحیه بسیار خوب رزمندگان اسلام و اعتقاد آن‌ها به پیروزی

در مجموع می‌توان گفت شناخت درست از نحوه گسترش آرایش و نقاط قوت و ضعف دشمن و برنامه‌ریزی صحیح برای به‌کارگیری نقاط قوت خودی علیه دشمن، از عوامل اصلی موفقیت رزمندگان اسلام در عملیات ثامن‌الائمه محسوب می‌شود (عابدی، ۱۳۹۸: ۷۶).

حسن باقری در این خصوص می‌گوید: «با توجه به تجربیاتی که در چند ماه جنگ و عملیات محدود داشتیم، برخلاف ارتش عراق که نیروهایش نسبت به طرح حمله در بی‌خبری به سر می‌بردند، ما جزئیات طرح عملیات را با ذکر نکات ریز و ظریف برای همه فرماندهان لشکر (حتی دسته) بازگو کردیم تا هم آگاه باشند، هم اگر نظر اصلاحی دارند بگویند» (شیرعلی‌نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۸۴).

۳-۶- انگیزه قوی خدمت به کشور، مردم و هم‌نوعان:

در آستانه عملیات، کمبود نیرو و امکانات دغدغه مهم فرماندهان بود، اما جبهه ایران چیزهای دیگری داشت که بسیاری از کمبودها را جبران می کرد. امیر معین وزیری می نویسد: «کمبود مهمات محسوس بود، اما یک عامل سرنوشت ساز در جنگ برای نیروهای ایرانی روز به روز در حال تقویت بود و آن عامل روحیه و ایمان و میل به جنگ جویی تا پیروزی نهایی. در تمام طول عملیات، این عامل روانی بر عامل مادی برتری داشت» (معین وزیری، ۱۳۸۶: ۲۱۴).

دارخوین از محورهای اصلی عملیات ثامن الائمه بود و عراقی ها که پس از عملیات فرماندهی کل قوا به منطقه حساس شده بودند، چند روز قبل از آغاز عملیات پیش دستی کردند و به جبهه دارخوین حمله کردند. ابتدا منطقه را گلوله باران کردند، بعد سریع پیش آمدند و توانستند بخشی از منطقه را بگیرند. جاهایی جنگ تن به تن شد، ولی فرماندهان و رزمندگان محکم ایستادند و عراقی ها را وادار به عقب نشینی کردند (بنی لوحی و مرادپیری، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

۶-۴- تفکر و طراحی هم زمان:

براساس طراحی، نیروها از دو محور شمال (دارخوین) و جنوب (فیاضه) به عراقی ها حمله کردند و عده ای هم از محور فرعی ذوالفقاریه و جاده ی ماهشهر - آبادان عمل کردند. پس از پایان عملیات، دیگر نه آبادان در محاصره بود و نه هیچ عراقی در شرق کارون، مگر آنکه اسیر شده باشد (جاودانی و سروری، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

با همین ویژگی طراحی و تفکر هم زمان بود که در این عملیات حدود ۲۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و نزدیک به ۱۸۰۰ نفر به اسارت درآمدند. همچنین حدود ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو، سه فروند هواپیما، یک فروند بالگرد و تجهیزات بسیاری از دشمن منهدم و ۷۴ تانک و نفربر و ۴۰ خودرو به علاوه تسلیحات و تجهیزات بسیاری از عراق به غنیمت گرفته شد و البته ۲۴۳ نفر از نیروهای خودی نیز شهید و ۷۳۶ نفر زخمی و ۱۱ نفر مفقود شدند (عابدی، ۱۳۹۸: ۷۴).

۶-۵- کار جمعی و گروهی:

لشکر ۷۷ خراسان از ارتش در عملیات ثامن الائمه شرکت داشت، این لشکر از جمله لشکرهای ارتش بود که در جریان انقلاب، سازمان این لشکر گسسته نشد و برخی از درجه دارها و

افسرهایش قبل از انقلاب با مقام معظم رهبری مرتبط بودند. آن‌ها حتی آموزش‌هایشان را در دوران انقلاب تعطیل نکردند و از آماده‌ترین لشکرهای ارتش بودند. این لشکر را در اواخر سال ۱۳۵۹ به آبادان منتقل کردند و وضع آبادان را از نظر نیرو بهبود بخشیدند (جاودانی و سروری، ۱۳۹۱: ۹۹). در آستانه عملیات ثامن‌الائمه، لشکرهای نیروی زمینی ارتش تا جای ممکن امکاناتشان را در اختیار لشکر ۷۷ خراسان قرار داده بودند (معین وزیری، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

با خبر پیروزی رزمندگان اسلام در شکست حصر آبادان، امام خمینی (ره) طی پیامی در پاسخ به نامه فرماندهان ارتش و سپاه، ضمن تبریک به رزمندگان و فرماندهان این عملیات و تقدیر از آنان، آن را «پیروزی بزرگ» نامیدند. این عملیات اولین عملیات مشترک ارتش و سپاه بود که در آغاز سال دوم جنگ انجام شد و اولین پیروزی بزرگ ایران در جبهه‌های جنگ بود که جزء عملیات‌های کاملاً موفق و نسبتاً گسترده به حساب می‌آید (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

۶-۶- هدایت بنیادی انگیزه‌ها و روحیه‌ها:

پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه، نیروهای انقلابی را برای ادامه جنگ مطمئن کرد و وضعیت روانی مناسبی در جامعه به وجود آمد و امید و اعتماد برای کسب پیروزی حاصل شد. در نتیجه، این تحول، موقعیت و زمینه لازم را برای طرح‌ریزی راهبردی آزادسازی مناطق اشغالی براساس ساختار و ترکیب جدید نیروها و راهبردها و تاکتیک‌های جدید فراهم کرد. موفقیت در این عملیات باعث کسب اعتماد به نفس برای برداشتن گام‌های بلندتر بود (رضایی، ۱۳۷۴/۴/۲۷). یکی از کارشناسان نظامی خارجی بر این مسئله تأکید کرد که: «این پیروزی این حقیقت را آشکار ساخت که برتری در قدرت زرهی و هوایی می‌تواند بی‌معنا باشد؛ این کارشناس با اعتراف درباره ماهیت ناشناخته تاکتیک‌های جدید و نحوه کسب پیروزی نظامی ایران می‌نویسد: «هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه به این پیروزی دست یافتند» (درویان، ۱۳۹۲: ۴۹).

۶-۷- اتصال به نهادهای قدرت پایان‌ناپذیر مردمی کشور:

بهترین سازمان‌ها و نهادها، نهادهایی هستند که محدود به تعداد کارکنان رسمی خویش نشوند؛ به عبارتی دیگر بهترین نهادها، نهادهایی هستند که مردم حامی و پشتیبان آنان باشند.

مقام معظم رهبری هنگامی که به عنوان نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع از نزدیک تحولات جنگ را پیگیری می کرد، عنوان نمودند (مصاحبه آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۲):

«کلاً تا قبل از عملیات ثامن الائمه عملیات ما غالباً موفق نبودند و شاید یک یا دو عملیات را بتوان نشان داد که تا حدودی موفق بوده و علتش هم این است که تا قبل از عملیات ثامن الائمه نیروهای مردمی به کار گرفته نمی شد، یعنی از بسیج و سپاه در عملیات ها به صورت کامل خبری نبود و سپاه امکانات نداشت و گذشته از این مسئولان نظامی حاضر نبودند حتی سپاه را در حیطه کار نظامی راه بدهند».

۶-۸- تحول و سازمان دهی مجدد:

پیروزی های حاصله در صحنه سیاسی کشور با انتخاب آیت الله خامنه ای به ریاست جمهوری و گذر از مرحله بحران و بی ثباتی، همراه با پیروزی در عملیات ثامن الائمه، به دو اقدام اساسی انجامید. نخست اینکه سپاه سازمان رزم خود را توسعه داد و دیگر اینکه به موازات گسترش سازمان رزم، اقدامات جدی و اساسی را برای طرح ریزی یک سلسله عملیات با هدف آزادسازی کلیه مناطق اشغالی آغاز کرد (رضایی، ۱۳۷۵/۷/۱۲).

۶-۹- شکست راهبردی دشمن:

اولین نتیجه برجسته عملیات ثامن الائمه عبارت بود از درهم شکستن راهبرد دشمن در نقاط اصلی آن، بدین معنا که دشمن پس از ناکامی اولیه در آغاز جنگ با هدف برخورداری از برگ برنده برای مذاکرات صلح، تلاش اصلی خود را روی اشغال خرمشهر و آبادان متمرکز کرد. تداوم مقاومت در خرمشهر به حفظ آبادان منجر شد. در عین حال، دشمن در فرصت های متعدد درصدد اشغال آبادان برآمد، ولی موفق به این کار نشد؛ بنابراین در منطقه ای که دشمن براساس راهبرد خود برای اشغال آبادان تلاش می کرد، شکستن محاصره آبادان به معنای عقیم گذاشتن برنامه های دشمن بود (رضایی، ۱۳۷۴/۴/۲۷).

۶-۱۰- زمینه سازی برای رسیدن به موفقیت های بزرگ:

ایرانی ها مهرماه با عملیات ثامن الائمه (علیه السلام) محاصره آبادان را شکستند، آذرماه با

عملیات طریق‌القدس بستان و جزایه را آزاد کردند و خودشان را به هورالهوریزه رساندند، بهمن ماه جلوی حمله عراقی‌ها را در جزایه گرفتند، فروردین ماه سال ۶۱ با فتح‌المبین شوش و دزفول را آزاد کردند و اردیبهشت همان سال بیت‌المقدس را آغاز کردند و آن‌قدر ادامه دادند تا بالاخره سوم خرداد با آزادکردن خرمشهر تمامش کردند. عراقی‌ها از خرمشهر خارج شدند و دیگر توپخانه‌شان نتوانست اهواز را گلوله‌باران کند (مرکز مطالعات جنگ، ۱۳۸۲: ۲۵).

نتیجه‌گیری:

نتایج حاصل از اجرای عملیات‌های محدود کشور در نمایاندن ضعف‌های دشمن و توانایی و قابلیت‌های نیروهای انقلابی، صحت استراتژی جدید را تأیید کرد. ضمن اینکه روحیه یأس و ناامیدی نیروهای رزمنده را که پس از شکست تلاش‌های نظامی کلاسیک به فرماندهی بنی‌صدر، در نیروهای نظامی و مسئولان سیاسی بروز کرده بود، برطرف کرد و زمینه را برای پشت سر نهادن بحران بی‌ثباتی سیاسی در کشور آماده ساخت. همچنین اندیشه‌های دفاعی سپاه تدریجاً شکل گرفت و زمینه‌های طرح‌ریزی عملیات گسترده و آزادسازی کلیه مناطق اشغالی را فراهم ساخت. به موازات این تحولات، دشمن نیز تدریجاً بخشی از تغییرات تاکتیکی را درک کرد و برای ممانعت از غافلگیری، دستورالعمل‌های جدیدی صادر کرد که در آن بر آمادگی دفاعی تأکید شده بود.

تأثیر مدیریت در سال دوم دفاع مقدس و استفاده از مدیریت جهادی باعث شد جمهوری اسلامی ایران بتواند در کمتر از نه ماه به اهداف خود دست یابد و عمده مناطق اشغالی را به تصرف خود درآورد. استفاده از نیروهای جوان و خوش‌فکر در دوران دفاع مقدس و استفاده از دستاوردهای این جوانان بعد از عملیات محدود فرمانده کل قوا و عملیات گسترده ثامن‌الائمه، روحیه ازدست‌رفته کشور را به ملت بازگرداند. البته لازم به ذکر است تغییر در نحوه جنگیدن که با تغییر مدیریت همراه بود، گام بلندی در این دستاوردها برداشت. عملیات ثامن‌الائمه و تغییر معادلات باعث تعجب جهانیان گردید و با اتکا به این دستاوردها عراق را به بیرون از مرزها هدایت کرده است. به فرموده مقام معظم رهبری علت تأخیر در آزادسازی خرمشهر، جدی‌نگرفتن وجود سپاه در صحنه رزم در سال اول جنگ بود که این عدم حضور به معنای عدم حضور نیروهای

متفکر و خوش فکر در صحنه رزم محسوب می شد. آنچه به نظر می رسد از طرح چنین موضوعاتی می توان به دست آورد این است که هر جا سخن از مدیریت جهادی جوانان این دیار به میان می آید نتایج درخشانی برای ملت سرافرازمان رقم می خورد.

منابع:

- ۱- مرادپیری، هادی، شربتی، مجتبی (۱۳۹۱). آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۲- محسن رضایی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ
- ۳- مصاحبه آیت‌الله خامنه‌ای با مجله پیام انقلاب، ۱۳۶۶، مجموعه مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، انتشارات سروش، ۱۳۶۲/۶/۱۶
- ۴- درودیان، محمد (۱۳۸۲). جنگ؛ بازیابی ثبات، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۵- درودیان، محمد (۱۳۹۲). آغاز تا پایان؛ سالنامه تحلیلی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۶- صحیفه امام (۱۳۷۴). مجموعه آثار امام خمینی (ره) جلد ۱۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۷- نمکی، علیرضا (۱۳۸۷). نیروی هوایی در دفاع مقدس، نشر ایران سبز
- ۸- شیرعلی نیا، جعفر، زاهدی، سعید (۱۳۸۸). سربازان امام؛ روایت اهواز، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج
- ۹- نجف‌پور، مجید (۱۳۸۸). از جنوب لبنان تا جنوب ایران، خاطرات سردار سرلشکر دکتر سید یحیی (رحیم) صفوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۰- بنی‌لوحی، سید علی، مرادپیری، هادی (۱۳۸۷). نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۱۱- غلامعلی رشید، شرایط و ضرورت‌های تولد و رشد و تثبیت نقش سپاه در جنگ، ۱۳۷۵/۶/۲۵
- ۱۲- جاودانی، ابوالقاسم، سروری، روح‌الله (۱۳۹۱). عملیات ثامن‌الائمه، ارتش جمهوری

- اسلامی ایران، سازمان عقیدتی سیاسی، دفتر سیاسی
- ۱۳- شیرعلی نیا، جعفر، زاهدی، سعید (۱۳۸۸). پایان محاصره؛ روایت آبادان، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج
- ۱۴- کاظمی، اصغر (۱۳۹۱). خرمشهر در اسناد ارتش عراق، حوزه هنری
- ۱۵- حسینی، سید یعقوب، جوادی پور، محمود (۱۳۷۳). ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس؛ جلد سوم: اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، سازمان عقیدتی و سیاسی ارتش
- ۱۶- عابدی، اکبر (۱۳۹۸). دفاع مقدس در یک نگاه، مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).
- ۱۷- معین وزیری، نصرالله (۱۳۸۶). تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ، سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، معاونت فرهنگی و هنری ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۱۸- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۸۲). عملیات الی بیت‌المقدس، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۹- سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۳). مدیریت جهادی، چالش‌ها و الزامات، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- ۲۰- کوشکی، امین (۱۳۹۳). مدیریت جهادی چیست؟ (با تأکید بر منظومه فکری مقام معظم رهبری)، سایت خبری سلام سربدار، پایگاه خبری تحلیل شهرستان سبزوار، بخش سیاست، کد مطلب: ۷۰۹۷
- ۲۱- پورصادق، ناصر، ذاکری قزآنی، زهرا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مدیریت جهادی بر اثربخشی سازمان در سه بعد رهبر، پیرو و زمینه، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال هفتم، شماره ۲۲، زمستان ۹۴